

سندیکای کارگران شرکت واحد اوبوسرانی تهران و حومه



قطعه نامه روز جهانی کارگر اردیبهشت ۹۱

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنایی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. در این راستا ما کارگران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم

قطعه نامه روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اردیبهشت ۱۳۹۱

اول ماه مه روز همبستگی کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات روز افزون سرمایه داری و بیان خواسته های آنان جهت برپایی دنیایی عاری از ظلم و ستم و استثمار است

با گذشت بیش از يك قرن از مبارزات کارگران دستاوردهای بیشماری به قیمت جان باختن و زندانی شدن و اخراج هزاران کارگر در کشورهای مختلف جهان بدست آمده است

با توجه به وضعیت زندگی در قرن بیست و یکم انتظار می رود با تحولات و پیشرفت جوامع بشری کارگران از موقعیت مطلوبتری بهره مند شوند متأسفانه در حال حاضر شاهد تغییر قانون کار هستیم که کارگران هیچگونه دخالتی در روند آن ندارند، طبق اصلاحیه قانون کار کلیه دستاوردها پایمال و موجب فقر و بیکاری روز افزون کارگران خواهد شد لذا در حال حاضر در قانون کار فعلی اگر اصلاحاتی هم نیاز باشد تنها باید در فصل ششم این قانون عمل شود تا موانع سر راه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هموار گردد و کارگران بتوانند برای تصمیماتی که به حقوق و معیشت آنان ارتباط دارد دخالت مستقیم داشته باشند

در چنین حالتی قطعاً "دستمزدهای ۳۸۹ هزار تومانی که تنها يك چهارم دستمزد واقعی می باشد تصویب نخواهد شد .

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنایی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. در این راستا ما کارگران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم و در شرایط حاضر خواهان تحقق بی درنگ مطالبات زیر هستیم:

۱- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات حق مسلم ما است و این خواسته ها باید ضمن برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار و زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۲- ما جامعه ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما ناچیز دستمزدها و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و با رد شیوه کنونی تعیین و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم.

۳- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه يك جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

۵- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با يك زندگی انسانی برخوردار شوند

۶- به رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی با دسترنج و پول کارگران به یکی از نهادهای دارای ثروت نجومی در ایران تبدیل شده است اما این سازمان با قرار گرفتن در چرخه سود و سودآوری سرمایه تنها به فکر کاهش خدمات درمانی و دریافت فرانشیز از کارگران بیمار است. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم.

۷- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم

۸- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- کار کودکان باید ملغی گردد. برخورداری کودکان و والدین آنها از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی می باید برسمیت شناخته شود.

۱۱- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

۱۲- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

سندیکای کارگران شرکت واحد اوبوسرانی تهران و حومه

بیانیه تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

بیانیه تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

به مناسبت این روز و با گرامیداشت آن، با مبارزات سراسری کارگران در کشورهای مختلف اعلام همبستگی می کنیم و بار دیگر خواسته های مبرم جامعه ی کارگری ایران را بیان کرده و از همگان می خواهیم برای تحقق این خواسته ها چه در ایران و چه در کشورهای دیگر متحدانه و هماهنگ به مبارزات خود ادامه داده و تا رسیدن به یک جامعه ی انسانی از پای ننشینند.

امسال در حالی به استقبال روز کارگر می رویم که طبقه ی کارگر ایران بیش از هر زمان تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و زیر بار کمر شکن بیکاری و کمی دستمزد از یک سو و تورم لجام گسیخته و هزینه های سنگین ابتدایی ترین نیازهای زندگی است. گرانی کالاهای مورد نیاز اولیه از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت آن هم در پایین ترین حد از یک طرف و تحمیل حداقل حقوق ناچیز برای این زندگی از طرف دیگر سفره ی خالی کارگران، مزد و حقوق بگيران و اقشار زحمتکش جامعه را مورد هجوم قرار داده است.

هم زمان نظام سرمایه داری و جهانی و در پی بحران های فزاینده ی سال های اخیر تلاش می کند تا بار سیاست های غیر انسانی و استثمارگرانه خود را بر دوش کارگران و زحمتکشان بیندازد و با اعلام سیاست های ریاضت اقتصادی تلاش می کند تا سودهای سرمایه داران را حفظ کرده و فشار فزاینده ای را بر مردم تحت ستم و استثمار سراسر جهان وارد کند.

سرمایه داری جهانی متحدان آنان در کشورهای مختلف دست در دست یکدیگرند و برای تحمیل هر چه بیشتر بار فقر و تنگدستی بر توده های عظیم کارگران، مزد و حقوق بگيران هماهنگ عمل می کنند. کارگران و زحمتکشان و مردم تحت استثمار نیز در سراسر جهان اعتراض های خود را در سال گذشته به انواع مختلف و به هر شکل که توانسته

اند، بیان کرده اند.

هر چند فشار اقتصادی و اجتماعی از طریق افزایش نیروهای امنیتی و پلیسی بر مردم تحت ستم هر روزه افزایش می یابد، اما گسترش مبارزات سراسری کارگران و زحمتکشان جهان، کارکنان بخش های خدماتی و اقشار تهی دست در سال گذشته و تداوم آن، بیانگر آن است که امروزه نظام سرمایه داری بیش از هر زمان دیگر با بحران های فزاینده مواجه شده است.

اعتراضات گسترده جنبش ضد سرمایه داری در سال گذشته و اعتصاب ها و مبارزات سراسری کارگران و حقوق بگیران فرودست در سراسر کشورهای سرمایه داری نشان داد که بخش وسیعی از توده های عظیم مردم تحت ستم به آگاهی های عینی و ذهنی رسیده است. اعتصاب ها و اعتراض های میلیونی در امریکا، انگلستان، اسپانیا، پرتغال، یونان، ایتالیا، فرانسه، هند، و... همه و همه نشان دهنده ی آن است که این نظام دیگر نمی تواند با شیوه های گذشته به تسلط بر نیروی کار ادامه دهد.

به مناسبت این روز و با گرامیداشت آن، با مبارزات سراسری کارگران در کشورهای مختلف اعلام همبستگی می کنیم و بار دیگر خواسته های مبرم جامعه ی کارگری ایران را بیان کرده و از همگان می خواهیم برای تحقق این خواسته ها چه در ایران و چه در کشورهای دیگر متحدانه و هماهنگ به مبارزات خود ادامه داده و تا رسیدن به یک جامعه ی انسانی از پای ننشینند.

۱- آزادی تشکل های مستقل کارگری بدون هیچ گونه محدودیتی حق مسلم همه ی کارگران و زحمتکشان است. اعتصاب، آزادی اندیشه و بیان، آزادی تجمع، آزادی احزاب از حقوق مسلم انسان هاست که در ایران نادیده گرفته می شود. ما خواهان به رسمیت شناخته شدن این حقوق هستیم و تا به دست آوردن آنها به مبارزه ادامه خواهیم داد.

۲- تعیین حداقل دستمزد برای کارگران در سال جاری نوعی توهین مستقیم و آشکار به زندگی و معیشت کارگران است، درحالی که هیچ گاه محدودیتی برای حداکثر حقوق مدیران در نظر گرفته نمی شود. ما خواهان تعیین حقوق مکفی برای تامین زندگی همه ی انانی هستیم که نیروی کار جامعه خود را ارزانی می دارند تا بتوانند از یک زندگی سالم و انسانی برخوردار باشند.

۳- اخراج، بیکار کردن، قراردادهای موقت و سفید امضا و عدم پرداخت حقوق کارگران با هیچ عذر و بهانه ای پذیرفتنی نیست. به ویژه عذر و

بها نه های ضد انسانی و ستمگرانه ای که نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه حق به جانب به زبان می آورد و رسانه ها را نیز به خدمت می گیرد. امنیت شغلی و زندگی انسانی از ابتدایی ترین حقوق همه ی انسانهاست. با توجه به اخراج های گسترده ی اخیر، همگانی کردن بیمه های بیکاری برای خیل اخراج شدگان ضرورت دارد.

۴- زندانی کردن افراد و تعقیب و آزار و اعدام و حبس های طولانی مدت فعالین کارگری و اجتماعی به یک روال تبدیل شده است. مسوولان باید بدانند که این اعمال نمی تواند در اراده ی فعالان سیاسی و اجتماعی برای رسیدن به حقوق خود خللی ایجاد کند. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالان کارگری و اجتماعی به خصوص کارگران و فعالان کارگری زندانی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، علی اخوان، بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، علی نجاتی... و منع تعقیب آنان هستیم.

۵- مجازات اعدام امروزه در اکثریت قاطع کشور ها ممنوع است. ما نیز این مجازات را غیرانسانی می دانیم. امروزه اعدام تنها درچند کشور محدود اجرا می شود و ایران بیشترین تعداد اعدامی را نسبت به جمعیت خود در سطح جهانی داراست. ما خواهان لغو این مجازات در تمامی کشورها و به خصوص در ایران هستیم.

۶- سرمایه داران تلاش می کنند تا برای سود بیشتر تبعیض های جنسی، قومی، نژادی و مذهبی را رواج دهند، اما کارگران و زحمتکشان به صورت اساسی برای رفع تبعیض در همه ی زمینه ها مبارزه می کنند. ما با هر گونه تبعیض و نابرابری مخالف بوده و خواهان تامین حقوق انسانی برای تمام کارگران وزحمتکشان از هر قوم نژاد ومذهبی هستیم

۷- کارگران مهاجر درایران تحت شرایط سخت و وحشتناکی زندگی می کنند و از حقوق ابتدائی سایر کارگران محرومند. ما ضمن محکوم کردن هر نوع ستم وتبعیض نسبت به آنان خواهان رعایت حقوق برابر برای مهاجران وبه رسمیت شناختن حق تحصیل برای فرزندان آنان هستیم.

۸ - تامین اجتماعی حق همه کارگران و مزد و حقوق بگیران است، ما خواهان تامین اجتماعی برای کارگران ساختمانی و کلیه کارگران روزمزد وموقت هستیم.

۹- بار دیگر تاکید می کنیم وادار کردن کودکان به کار بر خلاف موازین انسانی است و ضمن محکوم کردن آن، خواهان تامین امکانات تحصیلی برای همه ی کودکان در تمام مقاطع تحصیلی هستیم.

۱۰- هرگونه هجوم سرمايه داری را به دست آوردهای کارگران و زحمتکشان تحت عنوان اصلاح قانون کار و خصوصی سازی، تعدیل نیروی انسانی و جز آن محکوم می کنیم.

۱۱- کارگران ایران خود را جزئی از طبقه ی کارگر جهانی می دانند که در برابر نظام سرمايه داری ایستاده اند. ضمن همبستگی با مبارزات جهانی کارگران و پشتیبانی از مبارزات مردم خاور میانه برای آزادی، هرگونه لشگرکشی و مداخله ی نظامی کشورهای سرمايه داری های علیه مردم منطقه را نه تنها رهایی بخش ندانسته بلکه آن را جهت تحت سلطه در آوردن بیشتر مردم منطقه برای سود بیشتر و حل بحران های نظام سرمايه داری می دانیم و آن را قویا محکوم می کنیم.

۱۲- تحریم های اقتصادی علیه ایران جزئی از تهاجم نظام سرمايه داری برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات این نظام است که چیزی جز فقر و سیه روزی برای کارگران وزحمتکشان ندارد و در سایه ی آن تنها دست اندرکاران بازارهای سیاه و غیررسمی و انحصارگرا نه با این بهانه به سودهای افسانه ای می رسند.

۱۳- روز اول ماه می جشن جهانی کارگران و زحمتکشان است. این روز باید به روز تعطیل رسمی تبدیل شود.

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۳۰ آوریل ۲۰۱۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه کارگران پروژہ ای

هیات موسس کارگران نقاش ساختمان

کانون مدافعان حقوق کارگر

۱۲ اردیبهشت - اول ماه می ۱۳۹۱

سالن ۱۲ گزارشی از زندان رجایی شهر

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران ✕

مزدوران رژیم از هر طریقی سعی دارند به خانواده های زندانیان سیاسی فشار بیاورند □ ملاقات زندان سالن ۱۲ رجایی شهر روزهای پنجشنبه میباشد □ در روز ملاقات مزدوران رژیم خانواده ها را ۳ الی ۴ ساعت منتظر میگذارند و سپس جهت ایجاد جو وارعاب خانواده ها را از يك دالان زیرزمینی که بسیار تاریک و وحشتناک بوده و ۷۰۰ الی ۸۰۰ متر طولانی میباشد عبور میدهند و سپس به آنها اجازه میدهند فرزندان شان را ملاقات کنند.

بنابر اخبار رسیده به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، وضعیت درمانی زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر وخیم میباشد □

بیماران سالن ۱۲ زندان رجایی شهر در وضعیت درمانی بسیار نامناسبی به سر میبرند، پزشکان با تجربه در این درمانگاه نبوده و داروخانه بهداری از دادن دارو به زندانیان خودداری میکند. زندانیان این سالن از بیماریهای کلیه، پوستی و پروستات رنج برده و از لحاظ درمانی هیچگونه رسیدگی به آنها نمیشود □ مسولین زندان به زندانیان گفته اند که میتوانند نسخه هایشان را به خانواده هایشان بدهند که برایشان دارو بیاورند، اما علیرغم اینکه زندانیان اقدام کرده اند مزدوران رژیم جهت فشار به خانواده ها و زندانیان از تحویل گرفتن دارو از خانواده ها نیز امتناع کرده اند □

زندانی سیاسی احمد رمضان کمال که به اتهام همکاری با پ ک ک در زندان میباشد از عفونت دست رنج میبرد و استخوان دستش نیز به دلیل عفونت صدمه دیده است، با درد شدید دست به گریبان است و علیرغم نیاز شدید به عمل جراحی، مسولین زندان از عمل وی و دادن دارو خودداری میکنند تا به این وسیله وی را شکنجه نمایند □

آقای ریاض الله سلطانی که به اتهام همکاری با دانشگاه بهائیت در زندان بسر میبرد از بیماری افسردگی و گوارش رنج میبرد، وزن وی به شدت کم شده است و بسختی راه میرود □

فشار به خانواده های زندانیان سیاسی

مزدوران رژیم از هر طریقی سعی دارند به خانواده های زندانیان سیاسی فشار بیاورند □ ملاقات زندان سالن ۱۲ رجایی شهر روزهای پنجشنبه میباشد □ در روز ملاقات مزدوران رژیم خانواده ها را ۳ الی ۴ ساعت منتظر میگذارند و سپس جهت ایجاد جو وارعاب خانواده ها را از يك دالان زیرزمینی که بسیار تاریک و وحشتناک بوده و ۷۰۰ الی ۸۰۰ متر طولانی میباشد عبور میدهند و سپس به آنها اجازه میدهند فرزندان شان را ملاقات کنند □

رژیم از هر وسیله ای برای تحت فشار گذاشتن زندانیان سیاسی و خانواده ها استفاده میکند □ ما اعلام میکنیم که این جنایات را در سطح جهان افشا کرده و میکنیم و نمیگذاریم صدای این عزیزان و خانواده هایشان خاموش بماند □

از همه شما مدافعان آزادی دعوت میکنیم که از هر طریقی صدای زندانیان را به گوش جهانیان برسانید و در روز بیستم ژوئن ۲۰۱۲ برابر با ۳۱ خرداد- روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی , همصدا در همه شهرهای دنیا در دفاع از زندانیان سیاسی به خیابانها بیاوید □

۲۷ آوریل ۲۰۱۲ برابر با هشتم اردیبهشت ۱۳۹۱

برای اطلاعات در رابطه با روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی لطفا به وبسایت ما در زیر مراجعه نمایید

<http://www.iranpoliticalprisoners.org/۲۰-june-is-support-day.html>

چه کسانی پاسخ گوی فشار بر کارگران و معلمان هستند؟



مادران پارک لاله ایران

همبستگی جهانی حامیان مادران پارک لاله

امسال در آستانه روز کارگر و معلم شاهدیم که هزاران تن از کارگران و معلمان میهن مان، شغل خود را از دست داده اند و هر روز تعداد بیشتری از کارگران و معلمان از کار اخراج یا با تعطیلی کارخانه ها و مراکز فرهنگی یا با تعدیل نیروی انسانی به صف بیکاران می پیوندند. طبق اظهارات دبیرکل خانه کارگر، در سال گذشته یکصد هزار کارگر از کار اخراج شده اند.

امسال روز جهانی کارگر و روز معلم را در حالی گرامی می داریم که از یک طرف شاهد آزادی سرافرازانه ابراهیم مددی و منصور اسانلو از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی و پدرام نصراللهی و فرزاد احمدی از فعالان کارگری در تهران و هاشم خواستار از اعضای کانون صنفی معلمان در مشهد هستیم و از طرف دیگر به شدت نگران احکام اعدام تایید شده از جمله حکم اعدام عبدالرضا قنبری معلم دبیرستان یکی از مدارس پاکدشت هستیم.

همچنین تعدادی از کارگران، فعالان حقوق کارگری و معلمان عزیزمان از جمله: رضا شهابی عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و رسول بداغی، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران هر یک به ۶ سال زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شده اند. کارگران و فعالان کارگری دیگری همچون شاهرخ زمانی، علی اخوان، علی نجاتی، ساسان واهبی واش، محمدحسینی، مهدی فراخی شاندیز، مهرداد امیر وزیری و معلمانی چون عبدالله مومنی، علی پور سلیمان، رسول بداغی و محمد داوری و ... در زندان به سر می برند و نبی الله باستان معلم زحمتکش به ۵ سال تبعید در بروجرد محکوم شده است.

امسال در آستانه روز کارگر و معلم شاهدیم که هزاران تن از کارگران و معلمان میهن مان، شغل خود را از دست داده اند و هر روز تعداد بیشتری از کارگران و معلمان از کار اخراج یا با تعطیلی کارخانه ها و مراکز فرهنگی یا با تعدیل نیروی انسانی به صف بیکاران می پیوندند. طبق اظهارات دبیرکل خانه کارگر، در سال گذشته یکصد هزار کارگر از کار اخراج شده اند.

هر سال که می گذرد؛ تنگناهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مردم ایران بیشتر می شود و باز شاهدیم که کارگران و معلمان برای یک اعتراض ساده سندیکایی و صنفی به زندان های طولانی مدت محکوم می شوند و خانواده های آنان و فرزندان شان در بدترین شرایط معیشتی و

روحي - روانی به سر می برند.

در کنار این خبرها، انتصاب سعید مرتضوی مسئول جنایات کهریزک به ریاست سازمان تامین اجتماعی، یکی از حساس ترین سازمان های کشور که ارتباط تنگاتنگی با اکثریت نیروی کار کشور دارد، بسیار نگران کننده است. انتصاب وی به عنوان رئیس سازمان تامین اجتماعی توهین بزرگی به خانواده هایی است که فرزندان شان در زندان کهریزک مورد شکنجه قرار گرفته یا کشته شدند و خواستار محاکمه آمران جنایات کهریزک، به خصوص فرد مذکور شدند.

در ادامه این سیاست، هر لحظه اخبار ناراحت کننده دیگری در مورد افزایش احکام اعدام و احکام سنگین برای دگراندیشان و همین طور کارگران و معلمان زندانی به گوش می رسد.

فشار اقتصادی بر مردم بیداد می کند و هر روز این فشارها بیشتر و بیشتر می شود، تا جایی که مردم را از حق یک زندگی انسانی و شرافتمند محروم کرده اند. اینکه علت و چرایی این بحران و تورم و گرانی و اختلاف طبقاتی و تبعیض و رانت های اقتصادی و بیکاری و غیره و غیره چیست، موضوع مورد بحث ما نیست. ما از زاویه دیگری بدان می پردازیم. ما به نقض حقوق بشر، به بی عدالتی، به تبعیض و به پایمال کردن حقوق انسانی اعتراض داریم. ما می گوئیم همه مردم از پیر و جوان و زن و مرد حق انتخاب نوع زندگی خود را دارند، حق تشکل دارند، حق اعتراض دارند، حق امنیت شغلی دارند، حق انتخاب دوست دارند، حق کار، حق تحصیل، حق سفر و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و حق یک زندگی آزاد و بدون تبعیض و انسانی دارند. ما می خواهیم بدانیم:

- چرا کارگر و معلم نمی تواند از حقوق انسانی و صنفی خود دفاع کند؟

- چرا با یک اعتراض ساده از کار برکنار می شوند یا به زندان می افتند؟

- چرا پس از بیکاری هیچ مقام مسئولی پاسخ گوی شکایات آنان نیست؟

- چرا خانواده و فرزندان شان این چنین مورد ظلم و تعدی قرار می گیرند؟

- چرا اغلب کارفرمایان و دولت با قراردادهای موقت کار و نظام حق

التدریسی، کارگران و معلمان را از داشتن امنیت شغلی محروم می کنند؟

- آیا اجرای عدالت یعنی قضاوت و مدیریت سعید مرتضوی ها و کشتن و حذف فرزاد کمانگرها؟

اینها و هزاران چرای دیگر سال هاست که در گوشه و کنار کشورمان به اشکال مختلف در فضای واقعی و زندگی روزمره کارگران و معلمان رو در رو با کارفرمایان و حکومتی ها و همچنین در فضای مجازی در سطحی گسترده در سراسر دنیا مطرح می شود، ولی هیچ مقام مسئول و عدالت خانه ای نیست که پاسخ گو باشد.

اینکه کارگران و معلمان اخراج می شوند یا به زندان می افتند یک بُعد مساله است، بُعد دیگر مشکلاتی است که آنها و خانواده و فرزندان شان را گرفتار می کند. از بیکاری، از نبود تأمین اجتماعی، از در به دری، از حراج خانه و کاشانه، از خودکشی و ...

ذکر چند نمونه کافی است که به عمق این فاجعه انسانی و بی عدالتی پی ببریم. متاسفانه اخبار خودکشی کارگران در اثر فقر و اخراج از کار هر لحظه بیشتر به گوش می رسد:

۱- "صبح روز یکشنبه ۲۴مهر محسن احمدیان کارگر تولید لبنیات شیران در شهر کرد دست به خودکشی زد. این کارگر به علت فقر شدید مالی و عدم دریافت حقوق، خود را از ساختمان اداری این کارخانه به پایین پرتاب کرد و در دم جان سپرد."

۲- "مصطفی علیزاده، کارگر قسمت رنگ گروه بهمن (مزدا)، بعد از ظهر ۱۲ بهمن ۹۰ در محوطه کارخانه دست به خودکشی زد و جان باخت. علت خودکشی مصطفی علیزاده قرار داشتن نام او به همراه تعداد دیگری از کارگران در لیست اخراج پایان سال بوده است."

۳- "منصور زارعی کارگر اخراجی کارخانه نساجی کردستان که حدود ۴۲ سال سن داشت و بیش از ۱۵ سال در شرایط سخت و زیان آور کارخانه نساجی در قسمت ریسندگی کار کرده بود. او به علت بیکاری و فقر ناشی از آن، در روز دوشنبه ۱۵/۱۲/۱۳۹۰ خودکشی کرد و به زندگی دشوار خود پایان داد."

۴- "حسن وکیلی کارگر سنگ بُر اهل شهر سنندج که حدود ۴۰ سال سن داشت و دارای زن و دو فرزند نیز می باشد، در اولین روز از سال ۹۱

به دلیل فشار زندگی در منزل خود واقع در محله عباس آباد این شهر خودکشی کرد و به زندگی دشوار خود پایان داد.

ما مادران پارک لاله، ضمن تاکید بر سه خواسته همیشگی خود، از حقوق و خواسته های انسانی کارگران و معلمان دفاع می کنیم و خواستار لغو فوری احکام اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان کارگر و معلم هستیم.

ما هر گونه فشار بر کارگران، معلمان، دانشجویان، وکلا، فعالین حقوق بشر، اقلیت ها، زنان، کودکان و مادران پارک لاله و حامیان آنها را که برای اعتراض به ابتدایی ترین حقوق خود مورد تعرض قرار گرفته اند، به شدت محکوم می کنیم.

هم چنین بازداشت خودسرانه نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر که با داشتن دو فرزند کوچک و بیماری شدید، هیچ گاه دست از تلاش برای اعتلای حقوق انسانی بر نداشت را نیز محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او و تمامی زنان و مردان آزادی خواه کشورمان ایران هستیم.

مادران پارک لاله ایران

همبستگی جهانی حامیان مادران پارک لاله

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

6 سال زندان برای رضا شهابی برای خاموش کردن مدافعان حقوق کارگران

برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر

بیانیه مطبوعاتی - برنامه نظارت

ایران

۶ سال زندان برای رضا شهابی برای خاموش کردن مدافعان حقوق کارگران

علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ساسان واهبی و ش، بهنام ابراهیم زاده، رسول بداغی (بداقی)، محمد حسینی، مهدی فراخی شاندیز، فرزاد احمدی، مهرداد امیر وزیری، پدram نصراللهی و علی اخوان، از جمله فعالان سندیکایی مستقل زندانی هستند

پاریس - ژنو، ۳۱ فروردین ۱۳۹۱. برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر» (FIDH) و «سازمان جهانی مبارزه با شکنجه» (OMCT) است، نگرانی عمیق خود را از محکومیت فعال سندیکایی رضا شهابی به شش سال زندان ابراز می کند.

وکیل مدافع رضا شهابی، صندوقدار و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ اطلاع یافت که قاضی ابوالقاسم صلواتی رییس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی موکلش را به شش سال زندان محکوم کرده است. آقای شهابی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» (یک سال زندان) و «تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» (پنج سال زندان) محکوم شد. او همچنین به ۵ سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی و سندیکایی محکوم شده است. به علاوه، محکومیت او شامل پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۷۰ میلیون ریال است. آقای شهابی که ۲۰ روز برای اعتراض به این حکم فرصت دارد هنوز در زندان اوین در بازداشت است.

با وجود این که وضع سلامتی آقای شهابی در بازداشت رو به وخامت رفته، مسئولان زندان امکان رسیدگی کافی پزشکی را در اختیار او قرار نداده اند. او در آبان ۱۳۹۰ به خاطر درد گردن و کمر به بیمارستان منتقل شد و دکترها تشخیص دادند که وضع چندین مهره گردن او وخیم است و وی باید تحت عمل جراحی قرار بگیرد و پس از آن شش ماه در استراحت مطلق به سر ببرد؛ در صورت بستری نشدن در بیمارستان، ممکن است طرف چپ او فلج شود. در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۹۰، او برای عمل جراحی به بیمارستان منتقل شد، اما کمی بعد به خاطر خطرناک بودن عمل به زندان بازگردانده شد. گویا دکترها بر این عقیده هستند که او پیش از عمل باید چند ماه در استراحت مطلق به سر ببرد. اکنون علاوه بر گردن، کمر آقای شهابی نیز در وضعیت بدی است و وی ممکن است نیاز به عمل دیسک کمر داشته باشد. گویا ضایعات

نخاعی و کمر او پس از دستگیری در اثر ضرب و شتم شدید در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین به وجود آمده است.

آقای رضا شهابی از تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ در اعتراض به عدم رسیدگی به بیماری او و محکومیت زندان دست به اعتصاب غذای خشک زده و خواهان انتقال به بیمارستان و لغو حکم محکومیت شده است. برنامه نظارت یادآوری می کند که آقای شهابی پس از دستگیری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹، و پیش از محاکمه در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۰ بیش از ۲۲ ماه در بازداشت به سر برده است.

به علاوه برنامه نظارت یادآوری می کند که دولتمردان ایران به حمله به فعالان سندیکایی مستقل و آزار و تعقیب آنها و صدور حکم های ناعادلانه زندان علیه آنها ادامه می دهند تا از تعداد کسانی که حاضرند از حقوق کارگران دفاع کنند بکاهند. در حال حاضر چندین فعال سندیکایی مستقل در زندان به سر می برند، از جمله علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ساسان واهبی و ش، بهنام ابراهیم زاده، رسول بداغی (بداقی)، محمد حسینی، مهدی فراخی شاندیز، فرزاد احمدی، مهرداد امیر وزیری، پدram نصراللهی و علی اخوان.

از سوی دیگر، برنامه نظارت از آزادی آقای ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد، در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۱ پس از گذراندن محکومیت سه سال و نیم زندان که در آذر ۱۳۸۷ شروع شد، استقبال می کند.

سوهیر بالحسن، رئیس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر گفت: «بسیاری از فعالان سندیکایی در ایران به خاطر دفاع از حقوق بشر در معرض آزار و اذیت دایمی، به ویژه در سطح قضایی، قرار دارند. آنها خودسرانه بازداشت می شوند یا در خطر دستگیری به سر می برند. این پیگردهای خودسرانه در چارچوب سرکوب عمومی جامعه مدنی ایران در شرایط کنونی تنها به قصد خاموش کردن مدافعان حقوق کارگران انجام می شود.»

دبیر کل سازمان جهانی مبارزه با شکنجه، جرال استابِرک، نیز اضافه کرد: «برنامه نظارت به شدت محکومیت آقای شهابی را تقبیح می کند و از دولتمردان ایران می خواهد به آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر پایان دهند، فوری و بدون قید و شرط تمام مدافعان حقوق بشر را که در بازداشت به سر می برند آزاد نمایند، سلامت جسمانی و روحی آنها را در هر شرایطی تضمین کنند، و به طور کلی اعلامیه سازمان

ملل در باره مدافعان حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و عهدنامه های بین المللی حقوق بشر را که ایران تصویب کرده رعایت کنند.»

تماس برای اطلاعات بیشتر

http://www.fidh.org/Six-years-prison-for-Shahabi?var_mode=calcul

FIDH: Karine Appy / Arthur Manet : + ۳۳ ۱ ۴۳ ۵۵ ۲۵ ۱۸ •

OMCT: Delphine Reculeau : + ۴۱ ۲۲ ۸۰۹ ۴۹ ۳۹ •

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر): lddhi(at)fidh.net

چرا کشتید، چرا جنازه ها را ندادید؟

گفتگوی فرشته قاضی با منصوره بهکیش

از خاوران می ترسند. خاوران را اگر پی گیری خانواده ها نبود تا الان معلوم نبود چه بر سرش می آورند کما اینکه بارها با بولدوزر زیر و رو کرده اند و ما نمیدانیم استخوان های بچه های ما آنجا هست یا نیست. ۴ سال پیش هم باز بولدوزر انداختند و فقط میخواهند نشان دهند که زمین عادی زراعی است درخت های خشک کاشتند به شکل های مختلف می خواستند کاری کنند خانواده ها نروند در پایین را بستند و قفل زدند و ناچار شدیم از در بالا و از بخش بهایی ها وارد شویم و فاصله زیادی را پیاده برویم اما با همه اینها خانواده ها می آیند و یک تعدادی هم مثل من پی گیرتر هستند.

منصوره بهکیش که از سوی دادگاه انقلاب به ۴ سال و ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شده در مصاحبه با "روز" اعلام کرد: از خاوران می ترسند و میخواهند خاوران را بایکوت کنند و به فراموشی بسپارند

اما همه خانواده ها را هم بکشند خاوران زنده است و دیگر همه خاوران را می شناسند.

۶ عضو خانواده خانم بهکیش در دهه ۶۰ اعدام شده اند و او به "روز" میگوید در بازجویی ها به من می گفتند آنها سالها پیش رفته اند و چرا هنوز پی گیر هستید؟ یک سری اشتباهاتی شده و شما چرا ول نمی کنید. گفتم بیایید همین را اعلام کنید و رسماً به مردم بگویید که اشتباه کردیم کشتیم و بعد بگویید که چرا و چگونه عزیزان ما را کشتید. گفتند ۳۰ سال گذشته و تمام شد و رفت. گفتم برای ما همیشه تازه است و هیچ وقت تمام نمی شود و هرچه بیشتر فشار می آورید همه چیز در جلوی چشمان ما زنده تر می شود.

منصوره بهکیش از حامیان مادران عزادار است و ۲۲ خرداد سال گذشته و در سالروز انتخابات ریاست جمهوری دهم که اعتراضات مردمی و بازداشت های گسترده و کشتار معترضان را به دنبال داشت، در خیابان بازداشت و متهم به اقدام علیه امنیت ملی شد.

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب او را به اتهام "اجتماع و تبانی بر علیه امنیت ملی از طریق تشکیل گروه مادران عزادار" به ۴ سال حبس تعزیری و به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرده است.

او در گفتگو با "روز" می پرسد: چرا ۴ سال و نیم به من حکم دادند چون از کسی که بچه اش را کشته اند حمایت می کردم؟ کجای دنیا این جرم است؟ جرم مرتکب شدم که رفتم بهشت زهرا سر خاک ندا؟ سر خاک سایر کشته ها؟ جرم مرتکب شده ام که میروم دیدار مادران آنها؟ دیدار مادران خاوران؟ جرم مرتکب شده ام که دوستان من این خانواده ها هستند؟ توی بازجویی ها گفته ام که من دیدار مادران میروم کسی هم نمی تواند بگوید نرو. همه تار و پود من این مادران هستند. کجای قانون گفته دیدن فلانی برو دیدن بهمانی نرو؟ سر خاک فلانی برو سر خاک فلانی نرو؟ توی دادگاه، قاضی صلواتی به من گفت تو چیکاره اش هستی که سر خاک ندا آقاسلطان رفتی؟ گفتم هیچ کاره اش اما دوست دارم بروم شما چرا سر خاک کشته های خودتان می روید؟ گفت آنها شهید هستند. گفتم این ها از آنها هم بالاتر هستند چون آنها در جبهه ها برای دفاع از مملکتشان توسط دشمن کشته شده اند توسط دشمن خارجی. اما اینها توی مملکت خودشان توسط شما کشته شده اند.

گفتگوی روز با منصوره بهکیش را در ذیل بخوانید.

خانم بهکیش ۴ سال حبس تعزیری به اتهام تشکیل گروه مادران عزادار به شما داده اند تا جایی که میدانم مادران عزادار، گروه و تشکل نیست ممکن است در این زمینه توضیح دهید؟

بله. من هم مثل بقیه مادران به پارک لاله رفتم وقتی سال ۸۸ بچه ها را کشتند، خودم زخم خورده بودم و شرایط خانواده ها را درک میکردم معترض بودم و مثل سایر مادران به پارک لاله رفتم. مادران عزادار در اصل یک حرکت خودجوش است و اتهام تشکیل مادران عزادار را واقعا نمیدانم یعنی چی. جوان های مردم را در خیابان به گلوله بستند به شکل های مختلف کشتند طبیعی است که هر انسانی که ذره ای از انسانیت بویی برده باشد شاکی می شود و اعتراض میکند. من که دیگر زخم خورده هم هستم.

دلیل این همه حساسیت نسبت به مادران عزادار چیست و به نظر شما چرا از مادران اینقدر می ترسند که در سطح اقدام امنیت ملی مطرح می کنند.

اینها از مادران و خانواده ها وحشت دارند این چیز جدید نیست از گذشته بوده تا حال. و منتهی ما خانواده های قدیمی مظلوم واقع شدیم حامی نداشتیم خودمان بودیم اینترنت و این داستان ها نبود و خانواده ها تنها بودند اما در جریانات اخیر آنطور نیست دیگر، سی سال خانواده ها را به طرق مختلف تحت فشار قرار داده اند و همه دیگر به گلویشان رسیده. جریانات اخیر که شد مردم که به خیابان ها آمدند. زدند بچه های مردم را کشتند مردم به صدا در آمدند از همین می ترسند و نگران همین هستند هرچند الان به ظاهر مردم ساکت هستند. بچه های ما را می گفتند سیاسی هستند و... کشتند اما این بچه ها چی بودند که کشتند؟ این جریان یک اعتراض خیلی خیلی ساده مدنی بود اما زدند و کشتند و خانواده ها را عزادار کردند تاکنون هم به هیچ کدام از این خانواده ها پاسخی نداده اند و مانده اند چگونه جمع کنند قضیه را. قبلا در خفا میکردند و خبری نمی شد اما اکنون هر کاری میکنند زود تمام دنیا میفهمند و اعتراضات گسترده می شود از همین می ترسند. مادران عزادار از عرصه خصوصی و درون خانه ها به عرصه عمومی آمده اند و از همین می ترسند.

کمی عقب تر برگردیم چه شد که شما بازداشت شدید؟

در ۲۲ خرداد ۹۰ در خیابان مرا بازداشت کردند. اینقدر خشن و بد رفتار کردند که انگار یک مجرم فراری را دستگیر کرده اند. مرا توی

یک ون انداختند و بردند. آن روز خیلی ها را بازداشت کرده بودند بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر بودیم که من و سه نفر دیگر را از بقیه جدا کردند و به عنوان وضعیت خاص به اوین منتقل کردند آن سه نفر هم آزاد شدند و اما مرا نگهداشتند.

چرا؟ اتهامی که در بازجویی ها به شما نسبت دادند چه بود؟ در بازجویی ها از شما چه میخواستند؟

۹ جلسه بازجویی طولانی داشتم و بازجویی ها درباره مادران عزادار بود و من هم معترض بودم و توی بازجویی ها می گفتم که این همه بلا سر ما آوردید خواهر و برادران مرا کشتید و هیچ وقت هم نگفتید چرا کشتید جرمشان چی بود؟ می گفتند شما یکسری کارهایی انجام داده اید. خیلی برایم عجیب و غریب بود. هیچ چیز خاصی از من نداشتند. من تمام این سالها شاکی بودم الان هم هستم و شاکی خواهم بود تا جواب بگیرم که چرا خواهر و برادران مرا کشتند. من به عنوان یک خواهر حق دارم بدانم. به بازجوها هم گفتم این حق قانونی و شهروندی من است که بدانم چرا کشتید جنازه هایشان را چرا ندادید وصیت نامه هایشان را چرا ندادید. حتی محل دفن شان را هم به ما نگفتید. اولین برادر مرا سال ۶۰ کشتند. ان موقع من ۲۳ سال داشتم. شوهر خواهرم را هم سال ۶۰ کشتند. خواهرم را سال ۶۲ کشتند. شاهدانی هستند که می گویند صدای خواهرم را در زندان اوین شنیده اند و او زیر شکنجه کشته شده. برادر دیگرم را سال ۶۴ و دو برادر دیگرم را هم سال ۶۷ و در اعدام های دسته جمعی. و من حق دارم پی گیری کنم و جواب بخواهم که چرا انها را کشته اند.

چه پاسخی به شما میدادند آیا در این زمینه پاسخی میدادند؟

می گفتند که تمام شده. انها سالها پیش رفته اند و تو چرا پی گیر هستی. روی من حساس بودند و می گفتند چرا خاوران میروی. می گفتم این حق من است که بدانم و پی گیری کنم. بازجو می گفت حالا یکسری اشتباهات شده چرا ول نمی کنید؟ گفتم چه چیزی را ول کنم؟ ۶ نفر از خانواده مرا کشتید می گوید اشتباه شده؟ اولاً بیایید همین را اعلام کنید و رسماً به مردم بگویید که اشتباه کردیم کشتیم و بعد بگویید که چرا و چگونه عزیزان ما را کشتید. گفتند ۳۰ سال گذشته و تمام شد و رفت. گفتم برای ما همیشه تازه است و هیچ وقت تمام نمی شود و هرچه بیشتر فشار می آورید همه چیز در جلوی چشمان ما زنده تر می شود. گفتم که پدر من ۴ سال تمام بیماری روانی گرفته بود فکر میکرد تمام سقف خانه را دوربین کار گذاشته اند قالیچه ای

جلوی خانه انداخته بود تا از ما مراقبت کند... چند بار از خانه فرار کرد و رفتیم و پیدایش کردیم بیمارستان روانی بستری شد و چه ها که نکشیدیم. بعد هم دق کرد... گفتم که کشتید و هیچ نگفتید که کجا دفن شان کردید و پدر و مادر من هر روز می رفتند که ببینند خواهر و برادرهایم را کجا دفن کرده اند اوین پاس میداد به بهشت زهرا و بهشت زهرا پاس میداد به اوین. تا اینکه بعد از سالها، یک نفر در بهشت زهرا دلش سوخت و گفت بروید فلان جا. رفتیم و گفتند بروید خاوران. از آن موقع می رویم و می آییم و همیشه هم مورد آزار و اذیت قرار گرفته ایم زده اند، گرفته اند، بسته اند، چندین بار بولدوزر انداخته اند و خاک آنجا را زیر و رو کرده اند. خود خانواده ها را تحت فشار قرار داده اند در حالیکه تنها کاری که ما میکردیم این بود که می گفتیم حق ما است بروید سر خاک عزیزانمان. حق ما است مراسم بگیریم اما می ریختند تهدید می کردند و مراسم را اجازه نمیدادند بگیریم. اینقدر فشار آوردند در تمام این سالها که در کلمات قابل گفتن نیست و حالا می گوئید تمام شد و رفت؟ باید پاسخ ما را بدهید باید به خانواده ها جواب بدهید ممکن است پدرها دق کنند، مادرها دق کنند، خواهرها و برادرها دق کنند اما بچه هایشان هستند و جواب میخواهند حالا هی بگیرید و بزنید من بروم ده نفر دیگر جای من می آید. این چیزی نیست که فراموش شود و تمام شود... این همه سال که گذشته هنوز نمی توانیم یک مراسم ساده باری هیچ کدامشان بگیریم. یکبار مادر سرحدی مراسمی گرفت ۲۰ مادر اونجا بودیم که من جوان ترین شان بودم با وضعیت وحشتناکی ریختند با اسلحه و مراسم را به هم زدند. روز بعد ریختند محل کار من و بازداشت کردند سه روز بعد ازاد شدم ولی عملا کارم را از دست دادم. محل کار قبلی ام هم همین طور مدام حراست فشار می آورد و به شکل های مختلف این سالها ما را اذیت کرده اند. فشارهای این چینی یک طرف و فشارهای روحی یک طرف. خود من چند سال پیش در مراسم ختم کسی رفته بودم که بچه اش فوت کرده بود و پدر خانواده هم بعد از فوت بچه اش، خودش را توی کمد حلق آویز کرده بود. همان جا اعدام ها توی ذهنم آمد که چطور با طناب دار زده اند و... همان شب دو بار توی رختخواب بی هوش شدم و سخته مغزی ناقص کردم. این فشارها دائم با ما است و چگونه می توانیم فراموش کنیم و ببخشیم و بگوئیم رفت و تمام شد؟

گفتید روی شما حساس هستند این حساسیت به خاطر خواهر و برادرانتان که اعدام شده اند هست و رفتن تان به خاوران؟

هیچ دلیل دیگری ندارد و طبق قوانین خودشان هم من هیچ جرمی مرتکب نشده ام. از این مساله ناراحت بودند و میدانستند که مامور بگذارند و نگذارند، من خاوران می روم. با تمام فشارها و تهدیدهایی که کردند، بیکارم کردند، ممنوع الخروج کردند اما من باز خاوران می روم از این مساله عصبانی هستند و خیلی برایشان سنگین است. حتی دو روز قبل از جمعه آخر سال به من از دفتر پی گیری صبا زنگ زدند و تهدید کردند که نباید خاوران بروید. ما هر سال جمعه آخر سال سر خاک می رویم. گفتند نباید بروید. گفتم من خاوران میروم و هیچ کسی هم نمی تواند بگوید نرو. این طبیعی ترین حق من است. گفتند به خانواده ها بگو نروند. گفتم من چیکاره هستم که بگویم نروند؟ این حق خانواده ها است که بروند و من توصیه میکنم اینقدر خانواده ها را تحت فشار قرار ندهید اینقدر نریزید توی خاوران و اذیت نکنید خانواده ها بیشتر تحریک می شوند و مدام می گوید فلان گروه و بهمان گروه تحریک کردند و... در حالیکه شما تحریک میکنید حتی از چند شاخه گل هم وحشت دارید. تا جایی که توی ماشین من گل بود به من گفتند این چی هست. گفتم گل. گفتند این گل های شما از نارنجک و اسلحه بدتره. به هر حال جمعه آخر سال خاوران رفتیم نگذاشتند برویم و گل بگذاریم. روز بعد از دادگاه انقلاب زنگ زدند و گفتند حکمتان آماده است. گفتم به وکیلتم ابلاغ کنید.

خانم بهکیش با گذشت این همه سال چرا از حضور خانواده ها در خاوران می ترسند؟

از خاوران می ترسند. خاوران را اگر پی گیری خانواده ها نبود تا الان معلوم نبود چه بر سرش می اورند کما اینکه بارها با بولدوزر زیر و رو کرده اند و ما نمیدانیم استخوان های بچه های ما آنجا هست یا نیست. ۴ سال پیش هم باز بولدوزر انداختند و فقط میخواهند نشان دهند که زمین عادی زراعی است درخت های خشک کاشتند به شکل های مختلف می خواستند کاری کنند خانواده ها نروند در پایین را بستند و قفل زدند و ناچار شدیم از در بالا و از بخش بهایی ها وارد شویم و فاصله زیادی را پیاده برویم اما با همه اینها خانواده ها می آیند و یک تعدادی هم مثل من پی گیرتر هستند. از این مساله ناراحت هستند. خودشان هم میدانند چه کرده اند و مانده اند که چه بکنند با این مساله و هیچی هم برای گفتن ندارند و میخواهند بایکوت کنند و کار نکنند به فراموشی سپرده شود و کسی اسمی از خاوران نیاورد. اما چنین کاری نمی توانند بکنند. آن زمانی که بچه های ما را تنها برای یک برگ اعلامیه یا یک دو ریالی که میخواسته

برود و از تلفن عمومی تلفن بکند می گرفتند و می بردند و اعدام میکردند گذشته. الان کوچکترین کاری میکنند خبر پخش می شود نمی توانند در این عصر و دوران، خاوران را بایکوت کنند و به فراموشی بسپارند. همه خانواده ها را هم بکشند دیگر خاوران را همه می شناسند. خاوران زنده است. خودشان هم مانده اند توی این قضیه که چگونه حلش کنند تنها راه حل هم این است که پاسخ بدهند حداقل اعتراف کنند که ما اینکار را کردیم.

با این همه آیا انتظار چنین حکمی را داشتید؟ ۴ سال و نیم زندان؟

نه قطعاً انتظار این حکم را نداشتم. هرچند توی بازجویی ها می گفتند که حکمت سنگین هست. این حکم هیچ توجیهی ندارد و اگر عاقل بودند قطعاً مرا تبرئه میکردند ولی متأسفانه حتی به نفع خودشان هم کار نمی کنند. چرا ۴ سال و نیم به من حکم دادند چون از کسی که بچه اش را کشته اند حمایت میکردم؟ کجای دنیا این جرم است؟ جرم مرتکب شدم که رفتم بهشت زهرا سر خاک ندا؟ سر خاک سایر کشته ها؟ جرم مرتکب شده ام که میروم دیدار مادران آنها؟ دیدار مادران خاوران؟ جرم مرتکب شده ام که دوستان من این خانواده ها هستند؟ توی بازجویی ها گفته ام که من دیدار مادران میروم کسی هم نمی تواند بگوید نرو. همه تار و پود من این مادران هستند. کجای قانون گفته دیدن فلانی برو دیدن بهمانی نرو؟ سر خاک فلانی برو سر خاک فلانی نرو؟ توی دادگاه، صلواتی به من گفت تو چیکاره اش هستی که سر خاک ندا آقاسلطان رفتی؟ گفتم هیچ کاره اش اما دوست دارم بروم شما چرا سر خاک کشته های خودتان می روید؟ گفت آنها شهید هستند. گفتم این ها از آنها هم بالاتر هستند چون آنها در جبهه ها برای دفاع از مملکتشان توسط دشمن کشته شده اند توسط دشمن خارجی. اما اینها توی مملکت خودشان توسط شما کشته شده اند.

و اکنون چه خواهید کرد آیا تصمیم دارید به این حکم اعتراض کنید؟

بله حتماً اعتراض خواهم کرد.

خانم بهکیش مادرتان سالهای متمادی در راه زندان ها و برای گرفتن خبری از خواهر و برادرانتان بوده آیا اکنون از حکم شما خبر دارد؟

هنوز جرات نکرده ام به او بگویم مادر من ۹۱ سال دارد و خیلی به من وابسته است. هرچند روحیه بسیار بالایی دارد به این امید که شاید یک روزی جواب بگیرد که چرا بچه هایش را کشته اند. آدم مقاومی است و صبر بسیار بالایی دارد و همیشه به ما هم قوت قلب

میده و لی شدیدا به من وابسته است. او با واکر چرخ دار حرکت میکند و حتی دو پله ر هم نمی تواند برود اما مرا که گرفته بودند امد اوین و بیش از ۴۰ تا ۵۰ پله را بالا آمده بود من شوکه بودم که چگونه این همه پله را آمده و چگونه پایین خواهد رفت. تمام وقت ملاقات هم ننشست و ایستاده با من حرف زد اگر می نشست از شیشه دوجداره مرا نمیدید... انرژی عجیبی دارد اما شدیدا به من وابسته است. ما ۹ بچه بودیم که ۵ تا را به همراه دامادمان کشتند و ماندیم ۴ نفر. اما در میان انها وابستگی شدید به من دارد.

سپاسگزارم از اینکه این گفتگو را انجام دادید اگر در پایان صحبت خاصی دارید بفرمایید.

امیدوارم روزی برسد که این مسائل روشن شود و بیایند به مردم پاسخ دهند به جای اینکه اینقدر بزنند ببرند فشار بیاورند و تهدید کنند؛ بیایند و بلاهایی که سر مردم آورده اند را بر زبان بیاورند. بلاهایی که از درون خودشان از اینور و آنور درز می کند را خودشان شفاف بگویند. خانواده ها را اینقدر اذیت نکنند و امیدوارم روزهای بهتری ببینیم مردم ما از این وضعیتی که دارند رهایی پیدا کنند و بتوانند مقداری راحت تر و در آزادی زندگی کنند.

ف. غازی

f.ghazi@roozonline.com